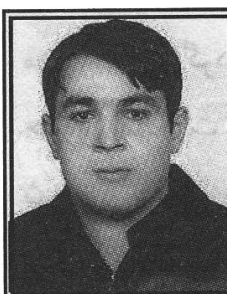


خلاصه مقاله

بررسی تطبیقی جایگاه مالکیت معنوی در قوانین و مقررات کشور و تجارت جهانی



رضوان نادری باروق، کارشناس ارشد حقوق جزا
education2009sa@yahoo.com

نویسنده مسئول: رضوان نادری باروق،

هوشنگ حامد، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بيله سوار
شهرام صبری، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بيله سوار

در پژوهش حاضر به بررسی وضعیت مالکیت معنوی و نیز تطبیق آن با قوانین سازمان‌های تجارت جهانی پرداخته می‌شود. حقوق مالکیت فکری در معنای وسیع کلمه عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی، و هنری. این قسم حقوق عمدتاً به موضوعاتی می‌پردازد که زاییده فکر و اندیشه انسان و مرتبط با آفرینش‌های ذهنی اوست. به بیان دیگر، موضوع این مالکیت ذاتاً غیرقابل لمس است. البته برخی صاحب نظران معتقدند که به جای اصطلاح مالکیت معنوی باید «مالکیت فکری» را به کار برد. از آن رو که واژه معنوی در مقابل «مادی» است، به کار بردن این لفظ مناسب نیست و چون این مالکیت بیشتر با فکر و اندیشه انسان ارتباط دارد، پس اصطلاح مالکیت فکری مناسب‌تر است. نخستین بار در جهان که حقوق مالکیت معنوی به مؤلف تعلق گرفت در سال ۱۷۰۹ میلادی بود: قانون حق مؤلف کشور انگلستان، معروف به «قانون ملکه» (Anne). همچنین پس از آن در فرانسه در سال ۱۹۷۷ م به فرمان لویی شانزدهم و در آمریکا (ابتدا با وضع قانون محلی در سال ۱۷۸۳ شروع شد و سپس در سال ۱۷۸۹ به صورت یکی از اصول قانون اساسی متجلی گشت) (لطفی، ۱۳۸۰). در ایران، حقوق مالکیت صنعتی عمری طولانی‌تر نسبت به مالکیت ادبی و هنری دارد. اولین قانون در این مورد مربوط به ثبت علائم تجاری و صنعتی در سال ۱۳۰۴ می باشد. این قانون با تصویب





قانون ثبت علایم و اختراعات در سال ۱۳۱۰ فسخ گردید. و اولین رویکرد قانونی در مورد مالکیت های ادبی و هنری در مواد ۲۴۵ الی ۲۴۸ قانون جزا (مبحث دسیسه و تقلب در کسب و تجارت) مصوب ۱۳۱۰/۵/۱۵ صورت گرفت. در سال ۱۳۴۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تصویب شد و مواد مزبور فسخ گردید. در پایان ذکر این نکته لازم است که وضع قوانین حمایتی از حقوق مالکیت معنوی با آنچه به عنوان نتیجه و محکم‌ترین دلیل برای اثبات شرعی حقوق مذکور می‌توان بیان کرد، تمسک به حکم فقیه و در جامعه اسلامی، حکم حکومتی است؛ زیرا حکومت اسلامی برای رفع نیاز و تأمین مصالح خود در حدود مقتضیات جامعه می‌تواند مقرراتی را وضع کند و اطاعت از آن‌ها نیز تا زمانی که رفع نشده‌اند، شرعاً واجب است. نمونه آن، قوانین مالیاتی و قوانین راهنمایی و رانندگی است. مشروعیت احکام حکومتی از باب عناوین ثانویه نیست، بلکه از ناحیه حکم اولی و اختیاراتی است که حاکم شرع در اداره جامعه و تنظیم امور اجتماع دارد. در دنیا نیز عملاً حقوق مزبور به صلاحدید دولت‌ها وضع گشته و صدور و شرایط آن‌ها را دولت‌ها معین می‌کنند و از وظایف و اختیار دولتی محسوب می‌گردد. «حقوق معنوی، مزایایی است قانونی، غیر مادی و مربوط به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری که به موجب آن، وی برای همیشه از یک دسته حقوق خاص برخوردار است.» به سبب وجود این حق، مطالعه محتوای حق مؤلف شروع می‌شود. این حق از نظر حقوقی، بیان‌کننده رابطه‌ای است که اثر را به آفریننده آن مربوط می‌سازد. به سبب وجود همین حق، شخص پدیدآورنده از امتیازهای ویژه‌ای برخوردار می‌گردد که حتی با مرگ وی نیز آن امتیازها از بین نمی‌رود. این حق، ترکیب اثر را به ورثه یا قائم مقام‌های مؤلف متوفا - با حفظ نام وی - منتقل می‌سازد.

۱- مزایای قوانین حقوق مالکیت معنوی

- ایجاد انگیزه برای متخصصین، محققین، مخترعین مراکز علمی و پژوهشی و صنعتی و نیز صاحبان فکر و ایده در سطح جامعه
- جلوگیری از اختفای یافته‌های فکری و فناوری
- انتشار دقیق و صحیح فناوری‌های جدید
- جلوگیری از تکرار موضوعات پژوهشی و اتلاف وقت و سرمایه
- تسهیل انتقال فناوری
- آگاهی از روند توسعه‌ی فناوری در کشورها

- آگاهی از سطح و روند فعالیت‌های تحقیقاتی رقبا، در فرآیند توسعه‌ی فناوری
 - ۲- معایب قوانین حقوق مالکیت معنوی
 - ممانعت از نسخه برداری از فناوری
 - انحصاری کردن فناوری
 - دولتی نمودن تحقیقات و کاهش انگیزه برای تحقیقات
 - افزایش قیمت کالاها و خدمات و فناوریها به علت انحصار
- واژگان کلیدی:** مالکیت معنوی، قانون حق مولف، مالکیت فکری

